

بررسی علل و زمینه های شورش ظفار

طیبه رستمی^۱

فریدون الهیاری^۲

کیومرث میرزایی^۳

چکیده

در سال ۱۹۲۳ میلادی سلطان سعید بن تیمور با کنار گذاشتن پدر خود تیمور بن فیصل بر تخت سلطنت نشست. وابستگی شدید وی به انگلیسی‌ها و حضور مستمر نیروهای نظامی انگلیسی در ظفار، تلاش ماجراجویان و کاشفان اروپایی و آمریکایی برای دستیابی ثروت‌های منطقه‌ای به دنبال بالا گرفتن تب نفت و توسعه فعالیت‌های آنها، عدم درک سلطان سعید بن تیمور از شرایط عینی جامعه، فقر و توسعه نیافتگی آن کشور، زمینه را برای جنبش بر ضد حاکمیت تقویت کرد. جریان‌های تأثیرگذار خارج از مرزها برای بهره‌گیری از شرایط داخلی عمان فرصت لازم را به دست آوردند. ظفاری‌های مقیم کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایی عربی با درک موقعیت منطقه ظفار که در آن انجمن خیریه ظفار که کار خیریه انجام می‌دادند و سازمان سربازان ظفاری که متشکل از افراد ظفاری بود که در کشورهای عربی خدمت می‌کردند جبهه واحدی تشکیل و تحت حمایت چپ‌گراها قرار گرفتند. مسئله پژوهش حاضر بررسی زمینه‌های اجتماعی جنبش ظفار و اینکه چه عواملی در بروز این جنبش تأثیر گذاشت. در غرب ظفار، نیز مالیات بر صید را با مبالغ هنگفتی دریافت می‌کردند. در سال ۱۹۶۰م، عوارض

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس دانشگاه اصفهان. rostamitayebe@gmail.com

^۲. استاد تمام گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. F.allahyari@itr.ui.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان. kayomath1353@gmail.com

واردات در ظفار، سیصد درصد بیش از سایر نقاط عمان بود. بنابراین استبداد با افکار حاد ارتجاعی، منطقه ظفار را مستعد و شکوفا برای طغیان نیروهای رنجیده در حصار ساخت. این پژوهش از نوع پژوهش های تاریخی و توصیفی - تحلیلی است که بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در منابع تاریخی و بر مبنای پرسش ساماندهی شده است.

کلید واژه: جنبش ظفار، عمان، ظفار، ملی گرایی، رقابت قدرت های بین المللی.

مقدمه

کشور عمان، از جنوب غربی به یمن و از شمال شرقی به دریای عمان و دریای عرب و از طرف شمال غربی و مغرب به امارات متحده عربی و عربستان سعودی اتصال دارد. همچنین عمان از سه طرف به وسیله دریا احاطه شده است به طوری که خلیج فارس در شمال آن قرار دارد. مساحت منطقه ظفار ۶۱۱۵۳ کیلومتر مربع است و طول مرزهای ساحلی آن به ۳۰۰ کیلومتر می رسد. عرض نوار ساحلی معمولاً کمتر از ۱۰ کیلومتر است و در پاره ای از نقاط پهنای آن به حدود ۱۶ کیلومتر می رسد.

در سال ۱۹۳۲ میلادی سلطان سعید بن تیمور با کنار گذاشتن پدر خود تیمور بن فیصل بر تخت سلطنت نشست. با جلوس او بر اریکه قدرت، صفحات نوینی از تاریخ مردم ظفار ورق خورد. سعید بن تیمور از سال ۱۹۵۸ میلادی در قصر الحسنی در نزدیکی صلاله مرکز ظفار، اقامت گزید و با ازدواج با یکی از دختران ظفاری، که منجر به تولد سلطان قابوس گردید، حکومت استبدادی خود را در این منطقه برقرار نمود. حکومت سعید بن تیمور با تشدید روند استبداد، عقب ماندگی و اعتراضات مردمی، دوره ای کاملاً مشخص و متمایز در طول تاریخ عمان بوده است. سلطان سعید، تحصیلات خود را در یکی از مدارس سلطنتی بریتانیا در هندوستان و سپس در بغداد به پایان رسانید. بسیاری از اعمال و عقاید او باور کردنی و پذیرفتنی نیست؛

در نتیجه عملکرد دیوانه وار و افکار مالیخولیایی او، ملت عمان به ویژه مردم منطقه ظفار، یکی از سیاه‌ترین و فلاکت‌بارترین دوران حیات تاریخی خود را گذرانید و به عقب مانده‌ترین و منزوی‌ترین کشور در سطح جهان و به ویژه در خلیج فارس تبدیل شد. رفتار و کردار سعید بن تیمور، نشانگر بیماری‌های روحی و استیلائی توهم بر روان او بود. مالیات‌های سنگین که یکی از علل اصلی شورش قبایل علیه سلطان بود، از مردم ناتوان اخذ می‌شد.

در غرب ظفار، نیز مالیات بر صید را با مبالغ هنگفتی دریافت می‌کردند. در سال ۱۹۶۰م، عوارض واردات در ظفار، سیصد درصد بیش از سایر نقاط عمان بود. بنابراین استبداد با افکار حاد ارتجاعی، منطقه ظفار را مستعد و شکوفا برای طغیان نیروهای رنجیده در حصار ساخت. از سوی دیگر وابستگی شدید وی به انگلیسی‌ها و حضور مستمر نیروهای نظامی انگلیس در ظفار بر جریانات مرکزگرایانه مردم ظفار، تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. مقاله حاضر کوششی است برای بررسی زمینه های اجتماعی جنبش ظفار و اینکه چه عواملی در بروز این جنبش تأثیر گذاشت. اساس این پژوهش بر طرح پرسش زیر قرار دارد:

چه عواملی در شکل‌گیری جنبش ظفار تأثیرگذار بود؟

فرضیه‌ی پیشنهادی که بتوان بر مبنای آن‌ها روند پژوهش را ادامه داد و پاسخ مناسبی برای این پرسش ارائه کرد از این قرار است:

در سال ۱۹۶۰م، عوارض واردات در ظفار، سیصد درصد بیش از سایر نقاط عمان بود. بنابراین استبداد با افکار حاد ارتجاعی، منطقه ظفار را مستعد و شکوفا برای طغیان نیروهای رنجیده در حصار ساخت. این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی و توصیفی - تحلیلی است که بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در منابع تاریخی و بر مبنای پرسش‌سازماندهی شده است.

پیشینه تحقیق

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با زمینه‌های جنبش ظفار، این پژوهش بر آن است تا ابعاد دیگری از علل و عوامل شورش ظفار و تأثیرات آن بر حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار می‌دهد. بسیاری از پژوهش‌های تاریخی که در ارتباط با شورش ظفار انجام گرفته، مطالب به صورت پراکنده مطرح شده است و بیشتر جنبه‌های سیاسی آن بررسی شده است و هر کس به شکلی به آن پرداخته اند؛ برای نمونه محمدجعفر چمنکار و فرد هالیدی در کتاب عربستان بی سلاطین و بیژن اسدی در کتاب خلیج فارس و مسائل آن می‌نویسند: تمام علل و عواملی که باعث شورش ظفار شده شرایط سخت اجتماعی بوده است و به دنبال آن همه اقدامات آنها حساب شده و از روی تدبیر بوده است؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی به این شکل، در رابطه با موضوع مورد نظر، به نگارش در نیامده است.

تاریخچه منطقه و روابط اجتماعی در عمان - ظفار

اهمیت روز افزون خلیج فارس و شبه جزیره عربستان برای امپریالیسم جهانی به درجه ای رسید که می‌توان گفت این منطقه به صورت شاهرگ حیاتی اقتصادی سرمایه داری درآمده است. حدود دو سوم منابع نفتی جهان در این منطقه قرار دارد و بنا به گفته کارشناسان در سال ۱۳۵۹ اروپای غربی حدود ۶۰٪ و ژاپن ۹۰٪ احتیاجات نفتی خود را از این منطقه تأمین می‌کردند. هرچند امریکا برای تأمین احتیاجات داخلی خود تنها به ۶۰٪ نفت این منطقه نیازمند است ولی از آنجایی که کمپانی‌های نفتی امریکایی حاکم بر سرنوشت ۳/۴ مجموع نفتی است که در دنیای غرب مصرف می‌شود، لذا توجه خاص به حفظ منابع نفتی خود در خلیج و شبه جزیره عربی را دارد (اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان، ۱۳۵۴: ۲۷). در سال ۱۹۶۲ برای اولین بار کمپانی‌های نفتی در عمان به کشف منابع عظیم نفتی نائل شدند. نفت حاصله از عمان به دلیل کمی گوگرد آن دارای ارزش خاصی برای شرکت‌های نفتی بود. بدین ترتیب این منطقه جزو مناطق پر ارزش نفتی برای

اقتصاد سرمایه‌داری درآمد. قبل از بسط نفوذ امپریالیسم انگلیس در منطقه خلیج فارس، استعمارگران پرتغالی و هلندی پایگاه‌های دریایی در این منطقه برای استقرار سلطه دریایی خود به وجود آورده بودند.

بهداشت و درمان نیز در وضعیت بسیار اسفناکی قرار داشت. تنها بیمارستان قابل استفاده در عمان، به وسیله مبلغین مسیحی کلیسای امریکا، اداره می‌شد. تا سال ۱۹۷۰م، هفتاد و پنج درصد کودکان فوت می‌کردند. تنها کسی که مجوز واردات دارو به ظفار را داشت، مردی ایرانی الاصل به نام احمد شفیق بود. عقب ماندگی‌ها در بخش تعلیم و تربیت، عمیق‌تر بود. به گفته وزیر آموزش و پرورش عمان، در سال ۷۰-۱۹۶۹م در این کشور با جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر، تنها سه مدرسه ابتدایی وجود داشت و جمع کل دانش‌آموزان تنها به نهمصد نفر می‌رسید. دختران نیز از تعلیم و تربیت محروم بودند. تا قبل از انقلاب، صددرصد زنان و ۹۵٪ مردان بی سواد بودند. با وجود این ارقام، دولت هیچ اقدامی جهت مدرسه سازی در روستاها و شهرهای کوچک نمی‌کرد و فقط در شهرهای بزرگ برای فرزندان طبقه حاکم و خانواده‌های ثروتمند یک مدرسه ساخته می‌شد و از نظر فرهنگی هم در سطح پایینی قرار داشتند (اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، ۱۳۵۴: ۳۰-۲۶). بنابراین استبداد با افکار حاد ارتجاعی، منطقه ظفار را مستعد و شکوفا برای طغیان نیروهای رنجیده در حصار ساخت.

علاوه بر این عقب‌ماندگی‌ها زندان صلاله، اسارت‌گاه صدها زندانی در شرایط بسیار وحشتناک بود و سربازان مزدور ظفاری سلطان به قتل عام مردم و ایجاد محدودیت های مختلف برای قبایل می‌پرداختند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۲۰). پس از کودتای ۱۹۷۰، فقدان کتابخانه و دستگاهای چاپ، آن چنان گسترده بود که تا چندین سال، ملت قطر با هزینه و با الهام از کتب آموزشی مدارس خود، نیازهای آموزشی و مدرسی عمان را برطرف می‌کرد. سعید بن تیمور، ضمن بر شمردن معایب رواج آموزش و

پرورش در عمان، به یکی از مشاوران انگلیسی خود گفته بود که علت اینکه شما هندوستان را از دست دادید با سواد کردن مردم بود. مهاجرت و تماس داخلی و خارجی به شدت کنترل می‌شد. برای خروج از کشور، آن هم به شکل بسیار محدود، اجازه مستقیم سلطان ضروری بود (مسعودی، ۱۳۵۲: ۸).

تضادهای منطقه ای و تضاد بین امپریالیسم امریکا و انگلستان در این ناحیه نقش عمده‌ای را دارا بوده است. یکی از تضادهای مهم منطقه‌ای در عمان اختلافاتی بین امام و سلطان بوده است. در سال ۷۵۱ میلادی برای اولین بار در این منطقه حکومتی که در رأس آن امام قرار داشت روی کارآمد و این نوع حکومت تا سال‌های آخر قرن ۱۸ ادامه داشت. در سال‌های آخر این قرن در مسقط، که قسمتی از منطقه نفوذ امام بود، یک سلطان نشین به وجود آمد. سلطان مسقط مورد توجه خاص استعمار انگلستان قرار گرفت و اولین پیمان دفاعی و تجارت دریایی را با کمپانی هند شرقی در سال ۱۱۸۷ هجری برقرار ساخت. بدین ترتیب تضاد بین امام و حکومت جدید التأسیس سلطان شروع به رشد کرد. از دیگر اقدامات انگلیسی‌ها در عمان این بود که تا در سال ۱۹۲۰ حکومت امام را به رسمیت نشناخت و به جای آن حکومت منطقه را تماماً به سلطان مسقط واگذار کرد. در سال ۱۹۵۸ غالب بن علی به عنوان پناهگاه و هشتمین امام عمان انتخاب شد. قبل از انتخابات، سلطان مسقط قراردادی با شرکت نفتی انگلستان منعقد نمود که در طی آن نه تنها نفت منطقه مسقط بلکه قسمتی از نفت سرزمین امام عمان را نیز به انگلستان واگذار نمود. در مقابل این خیانت، امام جدید استقلال تمامی عمان را اعلام کرد و بلافاصله مورد حمایت عربستان سعودی قرار گرفت.

منطقه ظفار

ظفار در جنوب عمان واقع شده و یکی از ورودی‌های اصلی مسقط است. پایتخت ظفار شهر صلاله است که در کنار دریا واقع شده است. جزیره حلانیا (جزیره

کوریا موریا) در نزدیکی ساحل صلاله و در جنوب شرقی صلاله واقع شده است. ظفار از سوی شرق با صحرای «جده حراسیس» عمان هم‌مرز است. ظفار در تاریخ منبع اصلی و صادرکننده بزرگ کندر(نوعی بخور) به جهان بود ولی امروزه کشور سومالی این نقش را به عهده گرفته است. درباره محدوده ظفار در کتاب «تحفه النظر فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار» ابن بطوطه مراحشی آمده است: در مغرب ناحیه عمان و مسقط کوه‌های بلندی واقع هستند در امتداد شمال به جنوب و آن ناحیه به وسیله آن کوهستان از صحرای بزرگ عربستان، ربع خالی و امارات دیگر در شبه جزیره عربستان جدا شود و در دامنه آن کوهستان وادی‌ها باشند شایسته زراعت. سکنه آن از مردمان گوناگون و در تحت امارات مسقط هستند و از طریق تنگه‌های کرانه‌های عمان، راه پیدا می‌کنند. ظفار در ۱۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی پایتخت عمان مسقط واقع شده است. از طرف شمال به عربستان سعودی، از طرف جنوب به دریای عرب و اقیانوس هند، و از طرف غرب به کشور یمن و از سمت شرق به صحرای «جده الحراسیس» عمان محدود می‌گردد. مردمانش از تیره ودائی بوده و عموماً در مناطق کوهستانی سکنا گزیده‌اند. مساحت این ایالت حدود ۵۰ هزار کیلو متر مربع و جمعیت آن در اواسط دهه ۶۰، حدود ۲۰۰ هزار نفر بود. در بخش شمالی کوهستان‌های این منطقه (واقع در جنوب و ملقب به: جبل سمحان، جبل القرد و جبل القمر) جلگه‌های وسیع و حاصلخیزی وجود دارد که ساکنانش به گله‌داری اشتغال دارند. نقاط کوهستانی این منطقه شرایط و محیط مناسبی برای مبارزات مسلحانه چریکی و جنگ‌های پارتیزانی است (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

همگی سنی مذهب هستند و از این حیث با سایر مذاهب مرسوم متفاوتند: زبان محاوره ای ایشان از لهجه‌های عربی قبل حمیریان بوده است. بدون شک یکی از نقاط عطف ما بین ایران و عمان ماجرای جنبش ظفار است. گرچه اکثر جمعیت ۲۰۰ هزار نفری ظفار اهل تسنن هستند ولی مردم این منطقه از نظر گویش، نژاد، فرهنگ

و لهجه با سایر جمعیت ایالات عمان تفاوت دارند و دوری آنان از سایر ایالت‌ها به واسطه صحرا و کویری که میان آنها با دیگر استان‌های عمان فاصله ایجاد کرده، از اختلاط آنان با دیگر مردم این کشور حتی‌المقدور جلوگیری کرده است. این جدائی در کنار عقب‌ماندگی اقتصادی ایالت ظفار سبب شده که در این استان بیش از سایر قسمت‌های عمان روحیه استقلال‌خواهی شکل گیرد. ظفار به دلایل مذکور تا ۱۸۷۹ میلادی کاملاً مستقل از دولت مرکزی عمان و به وسیله رهبران قبائل اداره می‌شد. در سالهای پس از جنگ دوم جهانی عواملی مانند فقر و کشف نفت، جوانان ظفار را در جستجوی کار راهی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس کرد. قدرت جسمی جوانان ظفاری که نتیجه زندگی کوهستانی آنان بود سبب توفیق آنان در به دست آوردن کار در کشورهای عرب منطقه گردید. به طوری که زمانی بیش از یک چهارم پرسنل پلیس در کویت و قطر را افراد ظفاری تشکیل می‌دادند. کارگران ظفاری در خلیج فارس به تدریج با جنبش‌های سیاسی و ناسیونالیستی عرب آشنا شدند و این آشنایی سبب ایجاد پیوند و رابطه میان آنان گردید. در ۱۳۴۱ گروهی از اهالی ظفار و جمعی از تبعید شدگان سازمان‌های سیاسی عرب به منظور تشکیل یک جبهه آزادی‌بخش عربی به هم پیوستند. این تشکل به طور پنهانی توسعه یافت و رفته رفته سازمان‌های بیشتری را در خود گرد آورد تا اینکه در ۱۱ خرداد ۱۳۴۴ با نام «جنبش آزادی‌بخش ظفار» موجودیت خود را اعلام کرد و اولین کنگره خود را در ناحیه‌ای در بلندی‌های ظفار برگزار کرد و کادر رهبری و ساختار سیاسی و نظامی خود را تعیین نمود. این کنگره شدیداً تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی رهبران قبیله‌های منطقه بود و هدف اولیه خود را رهایی ظفار از حاکمیت دولت مسقط و استقلال این ایالت قرار داده بود (ر.ک: فصل نامه تاریخ روابط خارجی، شماره‌های: ۶-۵).

استبداد ارتجاعی که بر سراسر عمان حکمفرما بود، در منطقه ظفار به طور محسوسی خشن‌تر و در ابعاد بسیار حادث‌تری خود را نشان می‌داد. سعید بن تیمور از سال

۱۹۵۸ میلادی برای همیشه در قصرالحسنی در نزدیکی شهر صلاله اقامت گزید و با ازدواج با دختری از قبیله قراکه، به تولد سلطان قابوس انجامید، ارتباط خویش را با منطقه گسترش داد. تمایلات سرکوب گرانه او در نتیجه اقامت طولانی و درک سوابق تاریخی قبایل ظفار در گرایش به استقلال و شورش، شدت بیشتری یافت. تمامی استبداد و عقب ماندگی های یاد شده، زیرا نظر و نظارت مستقیم سلطان در ظفار اجرا می شد. جاسوسان سعید در صلاله با دوربین های خود، فعالانه مردم را کنترل می کردند، چنان که فردی که دستشویی خانه اش را در بیرون از خانه بنا نهاده بود، مورد توبیخ قرار گرفت و عنوان شد که سلطان او را دیده که به مقررات تجاوز کرده است (هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۵۸). مالیات های سنگین که یکی از علل اصلی شورش قبایل علیه سلطان بود، از مردم ناتوان اخذ می شد. در غرب ظفار نیز مالیات بر صید را با مبالغ هنگفتی دریافت می کردند. در سال ۱۹۶۰م، عوارض واردات در ظفار، سیصد درصد بیش از سایر نقاط عمان بود (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۱۱۹).

استثمار سنتی و تفوق قبیله ای بر دیگر قبایل ظفار، بر شدت بحران های اقتصادی و اجتماعی می افزود و همین مسئله سکنه ظفار را به دو دسته تقسیم کرده بود: گروهی که کار می کردند و گروهی که در سایه تقسیم ناعادلانه درآمدهای نفتی و نظام استثماری عشایری از دسترنج دیگران استفاده می کردند. جبهه آزادی بخش ظفار در بیانیه های خود تأکید داشت که جنبش ظفار، نتیجه غیر قابل اجتناب تضاد اجتماعی و طبقاتی توده های ستمدیده از یک سو و حکمرانان فئودال و قدرت های گوناگون سرمایه داری از سوی دیگر است (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۳۲). یکی از ویژگی های انقلاب ظفار این بود که آگاه ترین عناصر خلقی با تحلیل عینی از شرایط جامعه و خصلت طبقاتی آن از همان آغاز جنبش اهداف انقلاب را مشخص کرده و توده ها را در مسیر انقلاب سوق داده و علاوه بر این پایگاه اصلی انقلاب را به روستاها منتقل نمودند. انقلاب ظفار علیرغم مقاومت مذبحانه ارتجاع روز به روز در حال پیشروی

بود و خلق ظفار مسلح به اندیشه انقلاب و مصمم برای بیرون راندن کلیه متجاوزین پیش می رفت.

زمینه های شکل گیری جنبش ظفار

کشور عمان به دلیل موقعیت دریایی و تجاری در قرن شانزدهم میلادی تحت سیطره ی دریایی پرتغالی ها درآمد. آنها حدود یکصد و پنجاه سال حاکم بلامنازع در آن منطقه بودند تا اینکه مردم عمان در سال ۱۶۵۰م به رهبری سلطان بن سیف پرتغالی ها را بیرون کردند و حکومتی بر پایه باور های مذهبی تشکیل دادند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۷-۳۰). انگلیسی ها پس از تسلط بر هندوستان برای امنیت راه های تجارت دریایی از حاکمان مسقط حمایت کردند و با حمایت آنها قدرت خود را در عمان گسترش دادند.

منطقه ظفار تا قرن نوزدهم به صورت مستقل و به وسیله ی رؤسای قبایل اداره می شد و تلاش حاکمان مسقط برای تسلط بر آن منطقه با شکست رو به رو شد؛ تا اینکه سلطان مسقط با حمایت انگلیسی ها در نیمه دوم قرن نوزدهم بر آنها مسلط شدند (هالیدی، ۱۳۸۵: ۸-۴۲۰). پایه و سابقه تاریخی «جنبش ظفار» و یا به زعم رهبران جنبش انقلاب ظفار را باید در قیام جبل الخضر دانست. برخوردار ی منافع امریکا و انگلستان در عمان در خلال دهه ۱۹۵۰ باعث شد استعمار انگلستان به بهانه حفظ منافع خود در عمان، تمامی این سرزمین را در کنترل نظامی خود قرار دهد. با توجه به سابقه تاریخی ضدیت مردمان مسقط و عمان با خارجی ها این اقدام انگلیسی ها باعث تحریک شدید احساسات آنان نسبت به حضور گسترده استعمار در سرزمینشان شد. جدا از عامل یاد شده، وجود فقر شدید در این جامعه نیز به عنوان عامل دیگری در پا گیری قیام الخضر مطرح بود. این شورش در سال ۱۹۵۷ علیه انگلیسی ها و نیز حاکمان مسقط و عمان شروع شد که با سر کوب شدید از سوی آنها مواجه گردید. پیرو تشدید دامنه این قیام، سلطان سعید بن تیمور حاکم

مسقط و عمان در سال ۱۹۵۸ تاب مقاومت را در برابر قیام کنندگان از دست داد و به شهر بندری صلاله واقع در جنوب عمان فرار کرد (اتحادیه انجمن های اسلامی و دانشجویان در اروپا، ۱۳۵۴: ۳۲).

حملات هوایی شدید و چند ساله نیروی هوایی انگلستان به شورشیان در جبل الخضر، تلفات و خسارات بسیاری بر آنان وارد کرد و باعث سرکوبی و از هم پاشیدگی این قیام مسلحانه شد؛ ولی پس از مدتی، انقلابیون عمانی توانستند نیروهای خود را جمع آوری و سازماندهی مجدد کنند. چنانکه در سال ۱۹۶۴ با پیوند و ائتلاف گروه های قدیمی: «سربازان انقلابی ظفار»، «جامعه خیرخواه ظفار» به عنوان یک نهضت ملی گرای عرب، سازمان «جبهه آزادی بخش ظفار» تشکیل شد. هدف اولیه جبهه مذکور به عنوان یک جنبش ملی گرایانه عبارت از رهایی ایالت ظفار از سلطه نیروهای سلطان سعید بن تیمور و در مرحله بعد واژگونی نظام خود کامه و عامل عدم رشد و توسعه مسقط و عمان بود. جنبش مذکور تا یک سال پس از شکل گیری و آغاز فعالیت خود، بدون استفاده از کمک و حمایت منابع خارجی، در ابعادی کوچک و نسبتاً غیر مؤثر و غیر کارآمد باقی ماند؛ ولی به نظر می رسد که به دلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ظفار و روش های مستبدانه سلطان علیه مردم آن ایالت، جنبش بزودی موقعیت مطلوبی در میان مردم خواهد یافت. جنبش ظفار و پیدایی آن ریشه در خارج نداشت، بلکه جدا از عامل حضور استعمار کهنه انگلستان در آنجا باید ریشه هایش را در خود مسقط و عمان جستجو کرد. این ریشه ها، ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشت چنانچه ظفار در دوره ای طولانی در محرومیت های اقتصادی اجتماعی به سر برده و از نظر سیاسی مورد غفلت و کوتاهی شدید قرار داشت (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۱۹۶).

جنبش آزادی بخش ظفار در ۱۹۶۲ با هدف استقلال ظفار شکل گرفت. این سازمان در ابتدا تحت تأثیر اندیشه های ملی گرایانه رهبران قبایل منطقه بود و از کمک های

نظامی عربستان سعودی نیز سود می‌برد. چریک‌های ظفاری علاوه بر حملات خرابکارانه به ادارات دولتی و تأسیسات نفتی توانستند بخش‌هایی از ظفار را نیز آزاد کنند. همزمان با تحولات ضد استعماری مناطق مختلف در بند جهان پس از جنگ جهانی دوم، حرکت‌های ملی‌گرایانه متعددی در دنیای عرب ظهور کردند و در ضمن فعالیت‌های پرفراز نشیب خود، گروه‌های آزادی‌خواه نو پا را نیز یاری رساندند. در این میان، جنبش نالیونالیست‌های عرب، نقش بارزی را ایفا می‌کردند. جنبش ناسیونالیست‌های عرب، از سوی جمعی از جوانان روشنفکر انقلابی دانشگاه امریکایی بیروت در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد و سپس، به وسیله گروه‌های چپ‌گرای فلسطینی به رهبری نوایف خاتمه، احمد جبرئیل و جورج حبش، سازماندهی و توسعه یافت. این گروه در محیط‌های کارگری و محنت زده و در میان مبارزین عراق و سوریه شکل گرفت. این سازمان به عنوان یکی از اولین محرکان و تقویت‌کنندگان قیام مردم ظفار، نقش مهمی را در تکوین این حرکت بر عهده داشت. در جریان نهضت شمال عمان به رهبری جبهه انقلابی نیز ناسیونالیست‌های عرب، فعالیت‌های زیادی در پشتیبانی مادی و تبلیغاتی از آن و مبارزه با استعمار انگلستان انجام دادند. بسیاری از رهبران نهضت ظفار در اوایل حرکت، از اعضای جنبش ناسیونالیست‌های عرب در کشور‌های مختلف بودند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۶).

در ۱۹۶۷ دو حادثه موجب شد تا قدرت چپ‌گراها و ناصریست‌ها در این سازمان افزایش پیدا کند. اول شکست اعراب در جنگ شش‌روزه که دیدگاه‌های رادیکال را در تمام جهان عرب تقویت کرد و دیگری تشکیل جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی) با خروج نیروهای انگلیسی از عدن. در کنگره دوم سازمان در شهر حمزین، یمن (سپتامبر ۱۹۶۸) بیشتر پست‌های کلیدی در اختیار رادیکال‌ها قرار گرفت و نام آن نیز به «جبهه مردمی برای آزادی خلیج عربی اشغالی» تغییر کرد. سازمان با گرایش به مارکسیسم لینینسم از کمک‌های گسترده یمن جنوبی و چین برخوردار شد. کمک

چین از آن جهت بود که آن‌ها سازمانی با پایگاه دهقانی و باورهای مائوئیستی قوی بودند. چین بی‌درنگ سفارت خود را در عدن تأسیس کرد و از یمن جنوبی به عنوان محل انتقال سلاح به عمان استفاده می‌کرد. اعضای سازمان همچنین از آموزش جنگ‌های نامنظم و تعلیمات مکتبی چین و شوروی بهره می‌بردند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

به هر حال، جبهه آزادی بخش در تاریخ ۹ ژوئن ۱۹۶۵ در ایالات ظفار رسماً موجودیت خود را اعلام کرد. در متن اعلامیه منتشر شده به «توده خلق ظفار» اعلام شده بود که پیشتازان انقلابی با ایمان به خدا، رسالت رهایی ظفار را از زیر سلطه مستبدانه سلطان سعید بن تیمور بر دوش می‌کشد، سلطانی که هویت دودمانش با منافع بارز انگلیسی‌ها همگونی داشت. در اوایل ژوئن ۱۹۶۵ اولین کنگره جبهه آزادی بخش ظفار برگزار شد. در این کنگره، خط مشی مبارزه مسلحانه به عنوان روش مبارزه با امپریالیسم انگلیس و رژیم ارتجاعی سلطان سعید بن تیمور انتخاب گردید. مبارزه مسلحانه اعضای جبهه تنها با ۹ قبضه تفنگ در کوهستان‌های ظفار آغاز شد. طبیعی بود که روند پیشرفت فعالیت‌های چریکی و انقلابی در چنین جامعه عقب مانده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با مشکلات ویژه‌ای که مهم‌ترین آن جذب توده مردم در فعالیت‌های جنبش به شمار می‌آمد، رو به رو شد؛ ولی بتدریج توده مردم محروم و فقیر ظفار به سوی جبهه آزادی بخش گرایش یافت. بنابراین با پیوستن نیروهای جدید به رزمندگان جبهه، ارتش آزادی بخش شکل گرفت. این ارتش توانست ضربه‌های زیادی بر نیروهای عمانی، که به وسیله افسران انگلیسی آموزش دیده بودند و رهبری می‌شدند، وارد آورد. پس از گذشت مدتی از شروع مبارزه مسلحانه، ارتش آزادی بخش به استقرار حکومت ملی در مناطق آزاد شده و تحکیم مواضع خود در آنجا موفق شد. کسب این پیروزی‌های نظامی باعث شد

انقلابیون و رزمندگان جدیدی جذب جبهه آزادی بخش شوندا (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۱۹۷).

بنابراین جبهه آزادی بخش ظفار که هدف آن تلاش در راه سرنگونی سلطان عمان و اخراج انگلیسی ها از سرزمین عمان بود، طبعاً در راستای دیدگاه های شوروی و مطلوب نظر آنان حرکت می کردند. محل استقرار و فعالیت انقلابیون ظفار در جنوب عمان و هم مرز با یمن جنوبی بود که امتیاز بزرگی برای آنها و هم شوروی بود. به عبارت روشن تر یمن جنوبی به عنوان یک کشور تندرو و انقلابی سوسیالیستی به مثابه یک تخته پرش و نیز وسیله ارتباطی با جهان خارج برای جنبش ظفار عمل می کرد. لذا، کمک های گوناگونی از طریق یمن جنوبی به آنها می رسید. به اضافه اینکه، بعداً نیز روس ها سعی کردند به وسیله تأمین نیازهای تسلیحاتی، آموزش، و ارائه کمک های مالی به انقلابیون ظفار به میزان قابل قبولی، از طریق یمن جنوبی نظر مساعد آنان را به خود جلب کنند. روس ها بر این باور بودند که رخدادهای مشابه یمن جنوبی می تواند در منطقه خلیج فارس نیز اتفاق بیفتد (اسدی، ۱۳۹۳: ۴۰۴).

این کنگره شدیداً تحت تأثیر اندیشه های ناسیونالیستی رهبران قبیله های منطقه بود و هدف اولیه خود را رهایی ظفار از حاکمیت دولت مسقط و استقلال این ایالت قرار داده بود. بخش هایی از ایالت ظفار را از کنترل حکومت مرکزی عمان آزاد سازند. استقلال جمهوری دمکراتیک یمن در ۱۳۴۷ نیز عامل دیگری بود که باعث تقویت آنان گردید. در آن زمان سلطان سعید بن تیمور که شدیداً تحت سلطه مستقیم نظامیان انگلیسی و مستشاران سیاسی آن کشور حکومت می کرد، زمام امور عمان را در دست داشت و در تمام ارکان کشور از سیاستمداران و چهره های انگلیسی استفاده می کرد. به همین دلیل نهضت آزادی بخش ظفار از ابتدای شکل گیری ماهیتی ضد انگلیسی داشت و سازمان های شرکت کننده در این جنبش علیرغم همه تفاوت هایی که در نوع نگرش سیاسی خود به جبهه آزادی بخش ظفار داشتند در موضع گیری

علیه بریتانیا جبهه‌ای یکسان و هم پیمان داشتند. با این همه مجاورت ظفار با یمن جنوبی سابق باعث شد که رفته رفته، کمونیست‌های یمن به داخل جنبش ظفار نفوذ کنند و به مرور زمان، رهبری آن را به دست گیرند. یمنی‌ها در مراحل بعد به تدریج رهبران ملی‌گرای جنبش را به حاشیه رانده و سپس نام جنبش آزادی‌بخش ظفار را طی کنگره‌ای که در شهریور ۱۳۴۷ در شهر یمنی «حمرین» تشکیل دادند به «سازمان آزادی‌بخش عمان و خلیج عربی» تغییر دادند.

وقوع جنگ سوم اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ و نتیجه آن که شکست سخت اعراب در برابر اسرائیل بود، مبارزه مسلحانه ظفار را با مشکلات سیاسی و نظامی قابل توجهی رو به رو ساخت؛ زیرا شکست یاد شده توازن قوای سیاسی - نظامی را شدیداً به نفع اسرائیل و غرب تغییر داد، ضمناً سه کشور عرب با از دست دادن بخشی از سرزمین‌های خود در جنگ مذکور، عملاً سرگرم مسائل سیاسی و نظامی خود پس از دوران جنگ شدند؛ بنابراین، جبهه و ارتش آزادی‌بخش از نظر تهیه و تأمین تسلیحات مورد نیاز خود به وسیله کشورهای عرب یاد شده شدیداً در تنگنا قرار گرفتند (امیری، ۱۳۵۵: ۴۸۲). در سال ۱۹۶۸ دومین کنگره «جبهه آزادی‌بخش ظفار» در دهکده ساحلی «حمرین» واقع در جنوب عمان و نزدیک بندر صلاله تشکیل شد و تجربه‌های مبارزات را در طول این دوره دو ساله بررسی کردند. حاصل بررسی‌های انجام شده در کنگره حمرین به آنجا انجامید که جبهه موضع‌گیری کشوری خود را به کل منطقه خلیج فارس گسترش داد؛ بنابراین نام «جبهه آزادی‌بخش ظفار» به «جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده» تغییر یافت. از این تاریخ به بعد، تمایلات شدید مارکسیستی در هدف‌های رزمندگان ظفاری راه یافت. جبهه در این کنگره یک موضع شدید «مبارزه با امپریالیسم، استعمار، ارتجاع، بورژوازی و فئودالیسم» اتخاذ کرد و خواستار توسعه یک جنگ خلقی آزادی‌بخش برای کل خلیج فارس شد (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۹۹).

این کنگره نقطه عطفی در مبارزات خلق بود. استراتژی جدیدی برای عمان و خلیج تعیین شد. تمایلات تکراری در داخل جبهه مورد انتقاد قرار گرفته و خط مشی روشن و واحدی برای جبهه تعیین شد و همراه با آن آموزش سیاسی کادر نظامی آغاز گردید. بدون عضویت در جبهه، هیچکس اجازه ورود به ارتش آزادی بخش را ندارد. برای اولین بار زنان در صفوف انقلابیون پذیرفته شدند. در بیانیه رسمی جبهه در کنگره چنین آمده است: «این کنگره نقطه عطفی است در مرحله کنونی انقلاب». بررسی ها و گزارش های انتقادی درباره پیشرفت انقلاب بیان گردید و نقاط مثبت و منفی که در حرکت و کامیابی انقلاب مؤثر بودند، تعیین گردید و جبهه توانست استراتژی جامعی از تمام وجود مبارزه تنظیم نماید. در سطح استراتژیکی کنگره چنین تصمیم گرفت:

— قدرت سازمان یافته انقلابی به مثابه تنها وسیله مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و بورژوازی و فئودالیسم.

— تغییر نام جبهه به جبهه ملی برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده.

— ایجاد پیوند میان مبارزه در ظفار و مبارزات توده ای در خلیج: هدف قطعی انقلاب در ظفار تنظیم کار بر مبنای وحدت انقلابی توده های مبارز در خلیج و به مثابه اولین اقدام نجات بخش انقلابی بخاطر وحدت تمامی منطقه می باشد. کنگره موضعگیری ایدئولوژی خود را بر سوسیالیسم قرار می داد و آموزش سیاسی توده ها در سطح وسیع در رأس اهداف انقلاب قرار گرفت، آموزشی که مبارزه توده های زحمتکش را در نابودی کلنیالیسم، امپریالیسم، بورژوازی و فئودالیسم را رهبری می کرد (اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، ۱۳۵۴: ۳۴-۳۲).

نتیجه قبول ایدئولوژی و خط مشی های مارکسیستی عبارت بود از محروم ماندن جبهه از حمایت فراوانی که ممکن بود از سوی مردم ظفار نصیبشان گردد؛ زیرا با توجه مسلمان و سنتی بودن مردم بومی، یک ضدیت بالقوه با مرام اشتراکی در میان

آنان وجود داشت به گونه‌ای که حتی از این تاریخ به بعد «جبهه خلق...» مورد حمایت کمی از جانب جهان عرب قرار گرفت. نهایت اینکه در سال ۱۹۷۰ یعنی ۵ سال از آغاز مبارزه جبهه تقریباً غالب کشورهای عربی و افریقای شمالی، از جنگجویان حمایت چندانی نمی کردند (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۰۰). انگلستان با درک شرایط خطرناک عمان، خواستار انجام یک سری برنامه‌های اصلاحی در ابعاد مختلف بود. هدف از این راهبرد در آن برهه از زمان، ارتقای زندگی مردم و در نهایت، جذب آنان به سوی دولت مرکزی و تضعیف موقعیت مخالفین بود. اما روحیه ارتجاعی سلطان سعید که طی سالیان دراز حاکمیت استبدادی شکل گرفته بود، با هر گونه تغییرات و اصلاحات در تضاد بود و حتی حاضر به قبول طرح های مستشاران انگلیسی خود نیز بود (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

سیاست روس ها به عنوان رهبر کمونیسم جهانی نسبت به «جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج» در حوالی سال ۱۹۷۱ تغییر یافت؛ و آن زمانی بود که سیاست خاورمیانه‌ای چین نسبت به حمایت همه جانبه از جنبش ظفار یک عقبگرد چشمگیر داشت. برعکس روس‌ها در رقابت با چینی‌ها در منطقه خاورمیانه، کمک های خود را به جنبش افزایش دادند. در عین حال نفوذ آنها در یمن جنوبی نیز افزایش یافت. کمک روس ها به جنبش ظفار از طریق یمن صورت می گرفت (اسدی، ۱۳۸۳: ۴۰۵). یکی از تصمیمات مهم کنگره دوم تشکیل «گروه‌های مقاومت ملی» بود تا ارتش آزادی بخش را حمایت و تکمیل کند. وظایف افراد این گروه‌ها منحصر به کار در بخش تولید و دفاع از خود و تهیه آذوقه برای ارتش آزادی بخش نبود، بلکه گاهی آنها برای تقویت ارتش آزادی بخش در خطوط جبهه می‌جنگیدند. امپریالسم و ارتجاع محلی که از گسترش موج انقلابی ظفار به وحشت افتاده بود، برای چاره اندیشی دست به یک اقدام حيله گرانه زد. قابوس که در آکادمی نظامی انگلیس تعلیم دیده بود، یکی از مهره های امپریالیسم انگلیس بود. وی با اقدام به یک سلسله

اقدامات رفورمیستی خواست که آتش انقلاب را خاموش کند، ولی همانطور که تاریخ مبارزات خلق ها نشان داده، این گونه دسیسه‌های کهنه ارتجاع، مؤثر واقع نشد و جنبش توده‌ها همیشه در حال رشد و گسترش بود. قابوس سعی کرد تا شکافی بین مردم در شرق ظفار ایجاد نماید و از طرف دیگر ارتش خود را ۶۰۰۰ نفر تقویت و آنها را با مدرن‌ترین تسلیحات نظامی تجهیز و مجدداً به بمباران مناطق آزاد شده پرداخت (اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، ۱۳۵۴: ۳۵).

سلطان قابوس در کنار شروع اصلاحات اجتماعی، به کلیه شورشیان جبهه ظفار که خود را تسلیم می کردند عفو عمومی داد. بدین ترتیب این اقدام سلطان و ایجاد تأسیسات رفاهی و عمرانی باعث ایجاد شکاف و اختلاف در جنبش شد، چنانکه با استفاده از همین خط مشی‌ها، دولت توانست در فاصله سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۵ نزدیک به هزار نفر از انقلابیون ظفار را به رویگردانی از قیام و تسلیم به دولت برانگیزد (امیری، ۱۳۵۵: ۴۷۸). تصمیم‌های اتخاذ شده در کنگره حمیرین موجب قطبی شدن جنبه های منطقه ای و جهانی مبارزه شد و عملاً باعث شد که هزینه های جنگ هم از نظر نفرت و هم وسایل و تجهیزات افزایش یابد. از سوی دیگر انتخاب راه و عقیده مارکسیستی از سوی جبهه باعث حساسیت شدید سلطان مسقط و عمان، کشورهای میانه رو خلیج فارس، انگلستان و امریکا شد؛ بویژه اینکه باید به این نکته توجه کنیم که چند میدان نفتی مهم عمان در جنوب آن کشور و در ایالات بزرگ ظفار قرار داشت و تولید تجارتنی نفت نیز به تازگی در عمان شروع شده بود؛ بنابراین در پیش گرفتن خط مشی‌های مارکسیستی و چپ‌گرایانه افراطی می‌توانست خطری بالقوه برای کشورهای نفتی و میانه رو در منطقه استراتژیک خلیج فارس محسوب شود (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

بعداً کنگره دوم، بیش از ۹۰٪ ایالت ظفار و چند شهر مهم و از جمله شهرهای: دالکوت، رخیوط، سعده در سلطه و کنترل جبهه قرار گرفت. علاوه بر این، یک

رشته عملیات چریکی و خرابکاری علیه تأسیسات شرکت نفت «رویال داچ-شل» که تقریباً امتیاز تمامی مناطق و تأسیسات نفتی عمان و از جمله ظفار را در کنترل و اداره خود داشت به وسیله نیروهای رزمی جبهه انجام گرفت و عملیات استخراج و اکتشاف این شرکت به طور کامل در ظفار به عنوان اولین منطقه شروع عملیات اکتشاف و استخراج نفت متوقف شد (اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، ۱۳۵۴: ۳۶).

سلطان قابوس در تبلیغات سیاسی خود علیه نیروهای انقلابی «ارتش آزادی بخش» آنان را یاغیان کمونیست، کافران، و بی خدایان خطاب می کرد و برای تحریک احساسات مذهبی توده ها و جدا ساختن صفوف آنها از جنبش ظفار، از شعارهای اسلامی استفاده می کرد؛ بنابراین از سال ۱۹۷۰ به بعد، آن برتری و پیروزی هایی که قبلاً به وسیله نیروهای انقلابی ظفار کسب شده بود به تدریج رو به کاهش و زوال رفت. سلطان قابوس برای مبارزه با انقلابیون ظفار، ارتش عمان را تقویت کرد و آنها را با جدیدترین تسلیحات نظامی مجهز نمود. نیروهای نظامی عمانی، انگلیسی، پاکستانی و هندی به فرماندهی ژنرال «هیوگ اولدمن» انگلیسی به عنوان فرمانده نیروهای نظامی و وزیر دفاع عمان در سرکوبی شورشیان ظفار به آن کشور کمک می کردند. سومین کنگره «جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج» با شرکت کلیه نیروهای انقلابی ظفار در ژوئن ۱۹۷۱ در «رخیوط» تشکیل شد. رخیوط واقع در جنوبی ترین بخش سرزمین عمان و نزدیک مرز عمان، یکی از آخرین پایگاهی استعمار انگلستان در ظفار بود که نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۶۹ با توسعه عملیات چریکی جبهه از آنجا رانده شدند. در این کنگره تصمیم های مهمی در سطوح منطقه ای، بین المللی و عربی اتخاذ شده؛ از جمله تأکید بر همبستگی توده های عرب در مبارزه آزادی بخش و تأکید بر وظیفه جبهه در پشتیبانی از تمام انقلاب های دموکراتیک ملی؛ ضرورت ایجاد جبهه متحد وسیع، متشکل و مبارز

علیه امپریالیسم و ارتجاع منطقه، رهایی منطقه از استعمار به هر شکل آن و تحقق استقلال کامل آنها؛ اتحاد سازمان های ملی فلسطین در جنگ درازمدت علیه صهیونیسم و امپریالیسم و بالاخره طرفداری از نیروهای سوسیالیستی بین المللی و مترقی در مبارزاتشان علیه امپریالیسم و سرمایه داری غربی. کنگره چهارم جبهه در دسامبر ۱۹۷۲ در «اهلیش» تشکیل شد. دو تصمیم مهم تر اتخاذ شده در این کنگره، عبارت بودند از: ۱) تلفیق «جبهه ملی برای رهایی خلیج اشغال شده» با «جبهه دموکراتیک برای رهایی عمان» در یک جبهه واحد با عنوان «جبهه ملی برای رهایی عمان و خلیج»، ۲) انتخاب رهبری مشترک برای «جبهه ملی برای رهایی عمان و خلیج» (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۲).

رهبران جبهه آزادی بخش ظفار، عمدتاً از کسانی بودند که پس از جنگ جهانی دوم و بالاگرفتن تب نفت، برای یافتن کار و درآمد به مناطق دیگر مهاجرت کرده بودند. هزاران ظفاری با وجود محدودیت خروج، از طریق راه آبی و خشکی و یا با استفاده گذرنامه های صادره از مهره استان ششم یمن - عمان را ترک کردند. آنان به واسطه فیزیک بدنی خاص، ناشی از کار در کوهستان های صعب العبور به مشاغل نظامی و ساختمانی گمارده می شدند و زمانی بیشترین درصد نیروی پلیس در قطر و کویت را از مهاجرین منطقه ظفار بودند. مهاجرت گروه های مختلف ظفاری به نقاط ثروتمند خلیج فارس، تأثیر عمده ای در تحریک آنان به قیام و شورش داشت. درک میزان رفاه و پیشرفت های نسبی دیگر مناطق عرب نشین خلیج فارس و تحمل مصائب و سختی ها، تحقیر و گدایی آنان را وادار به بازگشت به سرزمین مادری و قیام علیه استبداد و توسعه نیافتگی دولت مرکزی کرد (ر.ک: هالیدی، ۱۳۵۸: ۴۳۷-۴۳۶).

جنبش ظفار، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر زائیده ی یک سلسله شرایط خاص و مجموعه عوامل مرتبط بود. با وجود این نمی توان بر یکی از عوامل ذکر شده، تأکید

بیشتری ورزید و آن را علت تامه دانست. سلطان قابوس پادشاه عمان عقب ماندگی حاصل از دوران سعید بن تیمور را مهم‌ترین علت بروز شورش مردم ظفار می‌دانست که با تحریک قدرت‌های بلوک شرق توسعه یافته بود. نظریه پردازان امور خارجی ایران نیز بر علل اقتصاد عقب مانده و شیوه‌های حکومتی منسوخ و استبدادی سلطان سعید در شعله ور شدن قیام تأکید داشتند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۳). در گزارش کنفرانسی که در تاریخ ۵ الی ۷ فروردین ماه ۱۳۵۴ به منظور بررسی تحولات خلیج فارس در تهران برگزار شد، آمده است: «این شورش، ریشه های اقتصادی و اجتماعی بومی دارد و در اصل، از نارضایتی واقعی مردم ظفار که از لحاظ نژادی، مذهبی و زبانی با سایر مردم عمان متفاوت هستند، دور افتادگی جغرافیایی از بقیه نواحی عمان، نظام طبقاتی و حکومت سعید بن تیمور نشأت گرفته است». در کنفرانس دیگر در همین سال، علل نهضت ظفار را چنین بررسی کرده اند: «شورش ظفار، نمونه یک جنبش سیاسی است که در اصل، ریشه های اقتصادی و اجتماعی داخلی داشته، ولی به مرور، قدرت های خارجی از آن برای پیشبرد اهداف سیاسی خود بهره برداری کرده اند» (وزارت امور خارجه به سفارت ایران در مسقط، ۱۳۵۴: جعبه ۲۱، پرونده ۳۲۳). روزنامه رستاخیز- ارگان رسمی دولت شاهنشاهی ایران - طی مقاله ای در سال ۱۳۵۴، ضمن تحلیل اوضاع عمان، پاره ای انحصارات سوداگران استعماری و عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی را از دلایل پیدایش حرکت ظفار دانست (رستاخیز، ۱۳۵۴: ۱۳). برخی دیگر نیز علل شورش را نفت، وجود مهاجرین و کارگران ظفاری در خارج از کشور و آشنایی آنان با مبادی سوسیالیسم و مارکسیسم می دانند.

نتیجه گیری

پایه و سابقه تاریخی «جنبش ظفار» را باید در قیام «جبل الاخضر» دانست. با توجه به سابقه تاریخی ضدیت مردمان مسقط و عمان با خارجی ها این اقدام حضور

انگلیسی ها در عمان باعث تحریک شدید احساسات آنان نسبت به حضور گسترده استعمار در سرزمینشان شد. جدا از این سلطان نشین عمان در جنوب غربی شبه جزیره عربی یکی از عقب مانده ترین سرزمین های این ناحیه بود. در تاریخ کشور عمان، حکومت سعید بن تیمور، با تشدید روند استبداد، عقب ماندگی و اعتراضات مردمی، دوره ای کاملاً مشخص و متمایز در طول تاریخ عمان بود. بهداشت و درمان نیز در وضعیت بسیار اسفناکی قرار داشت. جنبش ظفار، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر زاینده ی یک سلسله شرایط خاص و مجموعه عوامل مرتبط بود. با وجود این نمی توان بر یکی از عوامل ذکر شده، تأکید بیشتری ورزید و آن را علت تامه دانست. ظفار به عنوان مرکز این جنبش قرار داشت و بزرگترین ایالت عمان و مسقط محسوب می شد. تذکر این نکته مهم است که جنبش ظفار و پیدایی آن، ریشه در خارج نداشت، بلکه جدا از عامل حضور استعمار کهنه انگلستان در آنجا باید ریشه هایش را در خود مسقط و عمان جستجو کرد. این ریشه ها، ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سر برده و از نظر سیاسی مورد غفلت و کوتاهی شدید قرار داشت.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، بیژن، (۱۳۹۳)، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
۲. اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، (۱۳۵۴)، انقلاب ظفار و تحولات خلیج فارس (مجموعه کرامه شماره ۷)، بی جا، «کمیته فلسطین» اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا.
۳. امیری، عباس، (۱۳۵۵)، خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست های بین المللی، تهران: مؤسسه پژوهش های سیاسی و اقتصادی بین المللی.

۴. چمنکار، محمد جعفر، (۱۳۸۳)، بحران ظفار و رژیم پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. روزنامه رستاخیز، (۱۳۵۴)، «عمان، پرتکاپو و فعال در جهت تحول و صلح»
۶. فرد هالیدی، (۱۳۵۸)، عربستان بی سلاطین، ترجمه بهرام افراسیابی، تهران: کتابسرا.
۷. فصل نامه تاریخ روابط خارجی، مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، شماره های ۵ و ۶.
۸. مسقط و عمان ۵۵-۱۳۵۰، (۱۳۵۴): جعبه ۲۱، پرونده ۳۲۳، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران در مسقط، آرشیو اسناد وزارت امور خارجه.
۹. مسعودی، ع، (۱۳۵۲)، «خلیج فارس در دوران سر بلندی و شکوه، تاریخ سیاسی عمان ورق خورد»، روزنامه اطلاعات.
۱۰. وزارت امور خارجه، (۱۳۵۰)، سرزمین های جنوبی خلیج فارس و سلطان نشین عمان، تهران: اداره نهم وزارت امور خارجه.